

شیفت شبانه قبرستان
Graveyard Shift

ام. ال. ریو

M.L. Rio

نیلوفر حجازی زاده

نشر نارنگی

سرشناسه:	ریو، ام. ال. M.L. Rio
عنوان و نام پدیدآور:	شیفت شبانه قبرستان / ام. ال. ریو [مترجم] نیلوفر حجازی زاده؛
ویراستار فاطمه پایداری	
مشخصات نشر:	تهران، انتشارات نارنگی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری:	۱۵۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۴۹۸۶-۲۳-۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Graveyard shift: novels, ۲۰۲۴.
موضوع:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۱م
	1st century - American fiction
شناسه افزوده:	حجازی زاده، نیلوفر ۱۳۷۴ - مترجم
رده بندی کنگه:	PS۳۶۱۰
رده بندی دی. بی.:	۸۱۳/۶
شماره ثبت کتابخانه ملی:	۹۹۳۲۷۱
اطلاعات رکو کتایب خانه:	فیبا



ما را در فضای مجازی دنبال کنید

نشر نارنگی
شیفت شبانه قبرستان
نویسنده: ام. ال. ریو
مترجم: نیلوفر حجازی زاده
ویراستار: فاطمه پایداری
مصحح: زهرا پایداری
طراح جلد: حسین فلاح
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
شمارگان: ۱۰۰ نسخه (رقعی)
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۹۸۶-۲۳-۸
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۰۴۱۰
سایت: pubnarengi.com
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

نشر نارنگی از بزرگسب یالیبیل برای تغییر قیمت استفاده نمی‌کند

مرام نامه اخلاقی

همراهان عزیز، نشر نارنگی این کتاب را از نظر کیفیت چاپ و ترجمه ضمانت می‌کند چرا که با گذراندن کتاب از فیلترهای مختلف تمام تلاش خود را انجام داده تا حتی یک غلط کوچک در کتاب وجود نداشته باشد. اگر در کتاب ایرادی از نظر نگارشی، املائی، چاپ و یا ترجمه و فونت وجود دارد خوشحال خواهیم شد با شماره ۳۰ ۶۲۳۰۹۱۰۰ (واتس‌آپ-تلگرام-اس‌ام‌اس-بله-روبیکا-ایتا) در میان بگذارید. برای این ایراد بر ما وارد باشد یک جلد کتاب به شما هدیه داده می‌شود. این توجه شما باعث می‌شود کسانی که در چاپ‌های بعدی این کتاب را مطالعه می‌کنند لذت بیشتری ببرند.

از مساعدت، عنایت، امداد و محبت شما کمال تشکر را داریم.

نشر نارنگی به دلایل زیر این کتاب را با کاغذ بالک چاپ کرده است:

۱. کاغذ بالک از کاغذ تحریر (سفید) سبک‌تر است و برای خواننده راحت‌تر خواهد بود.
۲. نور را منعکس نمی‌کند و در مطالعه طولانی مدت، آسایی به چشم‌ها نمی‌زند.
۳. در تهیه آن از مواد شیمیایی استفاده نشده و رنگ طبیعی طوسی یا کرم دارد.
۴. به کاغذ بالکی کاغذ سبز هم می‌گویند زیرا آسایی به محیط زیست وارد نخواهد کرد. این کاغذ‌ها را می‌توان به راحتی بازیافت کرد.

یادداشت نویسنده

بی‌خوابی همراه همیشگی من از کودکی بوده است. من در کودکی کابوس‌های شبانه داشتم، بیشتر شب‌ها را در مدرسه ابتدایی در کمدم به مطالعه می‌گذراندم، در مدرسه راهنمایی زیر نور لامپ رمان می‌نوشتم و بیشتر دوازده سال تحصیلات عالی‌ام را تا حدود زیادی به صورت شبانه گذراندم. می‌توانید من را یک قدرت در شب‌های زندگی بنامید، جایی که مرزهای بین واقعیت و توهم از بین می‌روند. قبل از اینکه رویکرد نویسندگی‌ام به سمت رمان باشد، شیفت قبرستان برای مدت‌ها در سرم بود. ایده داستانی در مورد خواب و بی‌خوابی که می‌توانست تنها در یک شب، مانند یک رویای مبهم ظاهر شود را درست داشتم. گم شدن در ناخودآگاه خود، خیلی ترسناک است؛ هر جایی که می‌سازید، در تاریکی، جای متفاوتی است.

من همیشه درگیر تلاقی هنر و علم به خصوص تأثیرات کم‌خوابی بر عملکرد (سوء) شناختی بوده‌ام. بوضوح، تأثیرگذارترین ترانه‌ها برای خواب توسط کسانی سروده می‌شود که سوانح خوبی ندارند. مکبث¹ را در نظر بگیرید که دیگر محکوم به خوابیدن نیست. خواب «مرهم اذهان آسیب دیده»، «حمام دردناک زایمان» است، خیاط پرمعزی که آستین غمگین مراقبت را به هم بافته است. بی‌خوابی انسان را به فردی بی‌رحم تبدیل می‌کند. رمز و رازی که در قلب شیفت قبرستان است، همان اندازه که در مورد این است که چه چیزهایی ما را در شب بیدار نگه می‌دارد، در مورد این هم حس است که چه چیزی در قبرستان دفن شده است. البته که من در خیاط کلیسا هم کمین کرده‌ام. در نزدیکی آخرین مکان استراحت فردی که می‌تواند آرامش عجیبی داشته باشد به خصوص اگر که خودتان نتوانید استراحت خوبی داشته باشید. زمانی که به دانشگاه می‌رفتم، قطعه کوچکی از قسمت‌های پشت خوابگاه من، مکان مورد علاقه‌ام بود که کمتر آن را با کسی به اشتراک می‌گذاشتم. اما من گاهی در آن جا هم دچار بی‌خوابی می‌شدم که ساعت‌های طولانی را تا صبح در آن جا می‌گذراندم.

بنابراین شیفت شبانه قبرستان برگرفته از تعدادی از سنت‌های ادبی است و همین‌طور با تجربه زندگی شخصی خودم شکل گرفت. تحقیقات دانشگاهی من دقیقاً در حوزه علوم انسانی پزشکی است؛ جای تعجب نیست که این حوزه به نوشته‌های خلاقانه من نیز نفوذ کرده باشد. لازم به ذکر است که اگرچه من یک محقق هستم اما مانند تامارا دانشمند نیستم، بنابراین باید بابت هر اشتباهی در صفحات پیش‌رو عذرخواهی کنم. به هر حال، این داستان یک آزمایش بالینی نیست. اما دلیل نمی‌شود که یافته‌های آن به لحاظ آماری مهم نباشند. در طول دوران دکتری، من یک دوره ادبیات علمی-تخیلی را به دانشجویان آموزش می‌دادم و از نزدیک مشاهده کردم که چگونه کتاب‌هایی مانند "هوا، گربه"، "جایی که پرندگان شیرین دیرگاه آواز می‌خوانند" و حتی "پارک ژوراسیک" آن‌ها را ترغیب کرد تا به نتایج احتمالی فناوری‌های جدید برای انسان‌ها و سازه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم فکر کنند. نوشتن رمان هرگز امری صرفاً آموزشی نیست، اما امیدوارم صفحات بعدی نه فقط یک داستان خوب برای ساعت‌های سرده بین نیمه‌شب و صبح شما بلکه دعوتی باشد برای پرسش سوال‌های عمیق و ناخوشایند و همچنین دستیابی به ریشه‌های مسائل.

خواب‌های شیرین ببینید.